

پیش‌خواران

نظر و گذری بر تکاپوی پژوهشی زنده‌یاد استاد علی دوانی

«**عالم‌خبیر**»

و آنچه بر تاریخ افزود

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، شمه‌ای از تکاپوی پژوهشی و آثار مورخ نامدار اسلام و ایران زنده‌یاد حجت‌الاسلام

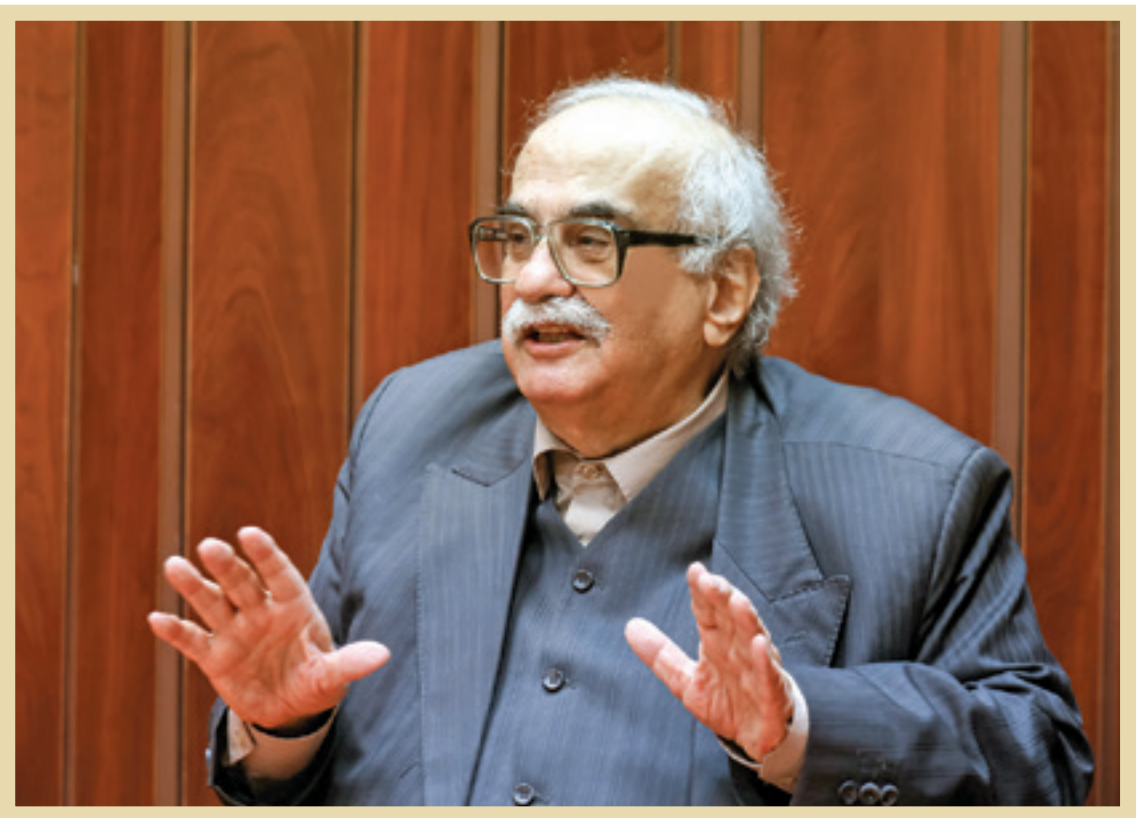
استاد علی دوانی را مورد بازخوانی و تحلیل قرار داده است. آن فقید سعید در زمره تاریخ‌نگاران پرتلاش معاصر قلمداد می‌شد و کتب فراوانی را در حوزه به‌رشته تحریر درآورد که هم‌اینگ مورد رجوع محققان و دانش‌پژوان است. «عالم‌خبیر» از سوی فرزند فرزانه‌اش استاد محمدحسن رحبی دوانی تألیف شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران آن را به زیور طبع آراسته است. تا زمانای ناشر در اشاره به مضمون و محتوای این کتاب نکات بی‌آمده از نظر دور نداشته است:

«انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، هم‌زمان با نمانی‌سگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال ۱۴۰۵، چاپ دوم کتاب عالم‌خبیر را روانه بازار نشر کرد. این اثر ۸۰۰ صفحه‌ای که به قلم محقق ارجمند استاد محمدحسن رحبی (دوانی) تدوین شده است، نه تنها شرح‌حالی از زندگی پرفراز‌ونشیب مرحوم استاد علی دوانی است، بلکه در ویرایش جدید با افزودن اسناد و مکاتبات نویافته به منبعی دست‌اول برای شناخت تاریخ‌نگاری دینی و سیاسی معاصر تبدیل شده است. همانگونه که می‌دانیم، استاد علی دوانی در دی ۱۳۴۱، در دورانی که خفقان پهلوی مجالی برای ثبت حقایق باقی نگذاشته بود، با نگارش کتاب نهفت دومامهه روحانیون ایران، سنگ‌بنای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ایران را بنا نهاد؛ مسیری که بعدها در اثر سترگ و ۱۱جلدی نهضت روحانیون ایران تبلور یافت. کتاب عالم



زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین علی دوانی نخستین تاریخ‌نگار نهفت‌اسلامی

خبیر که عنوان آن برگرفته از تعبیر دقیق حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب اسلامی در پیام تسلیت رحلت‌استاد دوانی است، پس از استقلال جامعه علمی در سال ۱۴۰۱، اکنون در سال ۱۴۰۵ و با اصلاحات و اضافات ارزشمند به چاپ دوم رسیده است. این اثر در دو بخش اصلی تحلیل‌های محتوایی و مستندات سندی، ساختار و سامان یافته است؛ در بخش نخست، روابط نزدیک استاد دوانی با استوانه‌های تفکر انقلاب اسلامی همچون شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، جلال آل احمد و… واکاوی شده است؛ همچنین مقاله رنج‌محقق، تلخی‌هاوشواری‌های مسیر تاریخ‌نگاری مستقل را به تصویر می‌کشد. بخش دوم کتاب که در چاپ جدید با غنای بیشتری همراه شده است، گنجینه‌ای از اسناد ساواک، نامه‌های تاریخی و مکاتبات دوطرفه‌استاد با شخصیت‌های برجسته را در برمی‌گیرد. یکی از بخش‌های ناباب این کتاب، نمایش نمونه‌های خوشنویسی مؤلف در صفحه ۶۷۳ است که وجه هنری و لطافت طبع این مورخ سخنکوش را عیان می‌سازد؛ همانگونه که ارائه اشعاری از آن بزرگ نیز در برادرزنده چنین وجهی از شخصیت اوست. همچنین اسناد شخصی و خانوادگی و آلبوم تصاویر که صفحات ۷۰۵ تا ۷۴۶ کتاب را به خوداختصاص داده، تصویر ملموس و انسانی از زندگی یکی از پرکارترین مورخان تاریخ انقلاب ارائه می‌دهد. کتاب در بخش پایانی خود و به شکلی مستند، بازتاب رحلت‌استاد دوانی در صفحه اول مطبوعات را گردآوری کرده است که گویای وزن اجتماعی و علمی ایشان را جامعه ایران و تأثیر کانون‌های رسانه‌ای از این رویداد تلخ است…»



«**تاریخچه تعلق تنگه‌هرمز به ایران و فرجام جنگ کنونی**»

در گفت‌وشنود با خسرو معتضد – بخش پایانی

تاریخ، شکست‌ناپذیری امریکارا نقض می‌کند

■ **سنامه صادقی**

آغازین بخش از گفت‌وشنود کنونی را روز سه‌شنبه ۱۲ خرداد ماه جاری از نظر گذرانید؛ اینک بخش دوم این مصاحبه پیش‌روی شمس‌ت، خسرو معتضد، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این قسمت از اظهارات خویش، قدری از مباحث تاریخی فاصله گرفته و به موضوع جنگ جاری میان ایران با امریکا و اسرائیل پرداخته و تحلیلهای خود را در این فقره بیان داشته است؛ امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

عده‌ای در روزهای اخیر ادعا کرده‌اند که در آمد ایران از طریق اخذ عوارض از کشتی‌های عبورکننده از تنگه‌هرمز امری موهوم و ناسالم است! دیدگاه شما در این باره چیست؟

به نظر من دولت ایران موفق شده است که این کار را عملی کند یا دست‌کم نشان دهد چنین چیزی در دسترس است. بنابراین امری خیالی و موهوم نیست. جمال عبدالناصر هم وقتی کانال سوئز را ملی اعلام کرد، می‌گفتند حق ندارد چون اجداد فاروق این کانال را به انگلیس و فرانسه فروخته بودند، اما عبدالناصر نهایتاً آن را ملی کرد. ملی کردن هم در دنیا امری به رسمیت شناخته شده است. البته انگلیس، فرانسه و اسرائیل در سال ۱۳۳۵ هـ. ش، به کانال سوئز حمله کردند، ولی رئیس‌جمهور امریکا در آن دوران یک آدم عاقل مثل آیزنهاور بود که اخطار کرد در مقابل آنها قوا پیدا می‌کند! لذا اسرائیل، انگلیس و فرانسه در آن مقطع در نهایت خفت از آن منطقه خارج شدند و کانال سوئز ملی شد و ماند. الان پاناما هم عوارض وصولی خود را به چندین برابر افزایش داده است. بنابراین این حق ایران است، چون تنگه‌هرمز جزء خاک ایران به شمار می‌رود و امنیت آن را تأمین می‌کند. ۲۷ کیلومتر هم بیشتر نیست، الان جزایر سه‌گانه ما (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک) مشرف به تنگه‌هرمز هستند، جزیره لارک و بندرعباس نیز مشرف به تنگه‌هرمز و جزء خاک ایران هستند که طبعاً دولت ما حق اعمال حاکمیت بر آنها را دارد. به نظر می‌رسد شرایط تنگه‌هرمز به پیش از جنگ برنخواهد گشت، این را تقریباً همگان فهمیده‌اند.

چرا ترندها و تلاش‌های امریکا و اسرائیل

برای باز کردن تنگه‌هرمز همچنان بی‌نتیجه و ابتر مانده است؟

اولاً برنامه‌های آنها واقع‌بینانه نبوده و ثانیاً دنیا هم با نظاره صحنه جنگ، شانس امریکا و اسرائیل را برای پیروزی پامین می‌بیند. با این حال و احتمالاً آن دو به تلاش خود ادامه می‌دهند. دولت ایران هم همچنان باید آماده باشد، ما باید بر تلاش تبلیغی خود بیفزاییم. دیپلمات‌های ما در سازمان ملل متحد، باید پیش از این درخصوص جنایات امریکا و اسرائیل در جنگ علیه ایران صحبت کنند؛ باید عکس‌پیکرهای شهدا را در جلسات توزیع کنند. ما باید یک نماینده قوی مانند آقای باقایی، که سازمان ملل متحد داشته باشیم. ایشان بسیار خوب صحبت می‌کنند. به نظرم آقای ایروانی، باید هم پای ایشان تلاش و آرا را به خود جذب و در جلسات جریان‌سازی کند. شما می‌بینید که نماینده اسرائیل به کمک دو خانمی که در کنارش نشسته‌اند و مرتب به او یادداشت می‌دهند، پشت هم‌اندازی و شلتاق‌گری سعی می‌کند رفتار اسرائیل را موجه جلوه دهد. لذا وقت آن است که ما نیز در راهبرد تبلیغی خود در سازمان ملل متحد تجدیدنظر کنیم. همانطور که اشاره کردم، تمام سفارتخانه‌های ما باید به مرکز تبلیغات، افشاکگری و ایجاد فشار افکار عمومی تبدیل شوند. نمی‌دانم که چرا برخی سفرای ما در این حوزه متفعل عمل می‌کنند. در دوره رژیم گذشته و زمانی که ما جزایر سه‌گانه را گرفتیم، سفرای خارجی تماماً ما مور به تبلیغات شدند؛ با وجود آنکه تمامی دنیا طرفدار ما بودند. همه‌شان بی‌گفتند که ایران حق دارد، مخصوصاً که از بحرن هم گذشت کرده و این سه جزیره متعلق به اوست. در مجموع فضای عمومی جهان به نفع ما شد. سازمان ملل متحد هم با وجود شکایت عراق، لیبی، الجزایر و یمن جنوبی، قضیه را مسکوت اعلام کرد و گفت که شکایت این کشورها را نادیده می‌گیرد. به این ترتیب، جزایر سه‌گانه در سال ۱۳۵۰ به مالکیت ایران درآمد.

امروز هم ما باید در دنیا چنین فضایی ایجاد کنیم و خوشبختانه زمینه آن هم وجود دارد. واقعاً امروز شهادت این ۱۷۰ کودک دارد وجدان دنیا را می‌خراشد! می‌دانید دلیل پایان جنگ ویتنام چه بود؟ کشتار مای‌لای، ویتنام دهکده‌ای به نام مای لای داشت که یک ستوان احقر امریکایی

۱۵۰ زن و کودک را در آنجا کشت! این قضیه به قدری به افکار عمومی امریکا فشار آورد که بسیاری از نیروهایش کارت‌های سربازی خود را پاره کردند و اساساً از آن زمان به بعد خدمت سربازی لغو شد! افکار عمومی در امریکا، قدرت بسیار زیادی دارد. همین جان کری و کلینتون به سربازی ترفنته، الان هم هنوز خدمت سربازی در امریکا لغو است.

فکر می‌کنید که علل مخالفت جهانی با

حمله امریکا و اسرائیل به ایران چیست؟

دلایلش روشن است. اسرائیل نقاطی از ایران را مورد اصابت قرار داده که از نظر هر آدم عاقلی واقعا احمقانه به نظر می‌رسد. مثلاً عمارت چهل‌ستون اصفهان یا تالار اشرف یا باغ گل سرخ در یزدا مگر باغ گل سرخ چه ارزش نظامی‌ای دارد؟ این نتانیاهو، واقعاً آدم دیوانه‌ای است. ترامپ هم این کاره نیست تا مره‌ا آنها بروند! امریکا بعد از خروج، به طالبان پیغام داده بود که اسلحه‌ها را پس این کارتل‌ها و تراست‌ها به‌عنوان شرکت‌های بزرگ بوند که موجهی به راه انداختند و او را بر سر کار آوردند. ترامپ در مورد حمله به ایران دچار اشتباه فاحش شده و تمام دنیا او را سرزنش می‌کنند. کاریکاتوریستی در روزنامه گاردین، کارتونی را کشیده که تنگه‌هرمز به ترامپ فشار وارد می‌کند و او می‌خواهد با ششم خودش، جلوی این فشار را بگیرد! او شخصیت مذبذب و متلونی دارد و حرفش را مرتب عوض می‌کند و الان میزان محبوبیتش به عدد ۳۳ در صد کاهش یافته است. ماجرای تیراندازی در میهمانی سالانه به افتخار خبرنگاران هم، قلابی و برای افزایش محبوبیتش انجام شد. ترامپ می‌خواست، شاه امریکا باشد. خودش را هم برای دور سوم انتخابات آماده کرده بود تا مجدداً کاندیدا شود، اما حدود یک ماه پیش، مردم امریکا سوخت‌رسان، چنگنده و نفربر را ساقط کند. یک هواپیما را هم کوبتی‌ها خودشان آشنیاهی زدند! این آمار، خیلی سنگین است. علاوه بر اینها، تمام پایگاه‌های امریکایی در کشورها عربی بمباران و تخریب شده است. خود عرب‌ها تصاویر تخریب را نشان می‌دهند که فضا تماماً با خاک یکسان شده است. کما اینکه سربازهای امریکایی را بردند و در هتل‌ها جاداند! بنابراین ملت ایران، اگر مثل دوران ملی شدن صنعت نفت بر خواسته خود یافشاری کند، حتماً پیروز خواهد بود. زمان ملی شدن صنعت نفت هم، انگلستان ایران را محاصره کرده بود. در آن زمان طرحی روی جلد مجله خواندنی‌ها چاپ شد که نشان می‌داد انگلیسی‌هایی آمده‌اند و دور تادور ایران را محاصره کرده و طناب پیچیده‌اند! بعد روی آن نوشته شده بود: «محاصره دریایی به جایی نخواهد رسید!» این نقاشی مربوط به مهر سال ۱۳۳۰ است. لذا ایرانی‌ها اگر همانطور که تا الان و به‌خوبی ایستادگی کرده‌اند، همچنان مقاومت کنند، قطعاً پیروز این نبرد خواهند بود. الان در خود امریکا هم، فشار بسیار زیادی روی ترامپ وجود دارد. مطبوعات امریکا، پدرش را درآوردند! وال‌الاستریت‌ژورنال که ۱۰۰ سال سابقه انتشارش دارد و نیویورک تایمز که ۲۰۰ سال است منتشر می‌شود، همه به ترامپ فحش می‌دهند. ترامپ هم برضای مقابله با آنها گفت:



اینها جاسوس ایران و خرابکار هستند یا در

دو احتمالاً امریکا دوباره حمله می‌کند، ولی اگر ما همچنان آماده و هوشیار باشیم، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. چون تاریخ نشان داده در جنگ‌های مشابه شکست خورده است. در افغانستان شکست خورد، ۳میلیارد دلار اسلحه را در آنجا گذاشت و فرار کرد و از کابل خارج شد! در ویتنام هم ۵۶ هزار کشته بر جای گذاشت و رفت. بنابراین این تصور که امریکا شکست‌ناپذیر است، درست نیست. فکر می‌کنم اگر یافشاری کنیم، در این جنگ موفق می‌شویم

مهیا شده است؟

بله. ما در حال حاضر و بیش از هر زمان دیگری نیاز به کار تبلیغاتی داریم. تصاویر پیکرهای شهیدا و نیز تخریب واحدهای غیرنظامی و مسکونی را باید روی کانال پرس تی‌وی – که به تمام دنیا مخابره می‌شود- بفرستیم. امروز خبرنگاران و رسانه‌ای‌های حرفه‌ای و باوجدانی هستند که در مقابل ترامپ می‌ایستند! الان بهترین فرصت است که ایران از خبرنگاران امریکایی مثل خبرنگار سسی‌ان‌ان – که خیلی هم نسبت به ما محبت دارند- مثل کریستین امانپور، فرید ذکریا، تالر کارلسون (همان که پدر ترامپ را درآورد) و استیون کینگ دعوت شود که به ایران بیایند و مثلاً مزار شهدای میناب را ببینند. این افراد انگیزه بازنمایی حقیقت را دارند، اما وقایع ایران را به درستی نمی‌دانند. مثلاً دو هفته پیش، یک خبرنگار امریکایی به میناب رفت، وقتی عکس دانش‌آموزان شهید را دید، زار زار برای آنها گریه کرد! امروز مردم در تمام جهان، در خصوص این جنایت با ما ابراز همدردی می‌کنند. حتی دانشجویان دانشگاه برکلی امریکا، تصویر ۱۷۰ دانش‌آموز دختر و پسر میناب را در وسط دانشگاه نصب کرده‌اند و این‌ها شمع روشن می‌کنند؛ نباید گذاشت که این فرصت از دست برود.

فرجام جنگ تحمیلی کنونی را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟ به نظر شما چه سنسار بویی بیش از همه محتمل می‌نماید؟

احتمالاً امریکا دوباره حمله می‌کند، پس‌رائیل است، نمی‌گفت کار ما در ایران هنوز تمام نشده است، ولی اگر ما همچنان آماده و هوشیار باشیم، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. چون تاریخ نشان داده است، امریکا در جنگ‌های مشابه شکست خورده است. در افغانستان شکست خورد، ۳میلیارد دلار اسلحه را در آنجا گذاشت و فرار کرد و از کابل خارج شد. اگر به خاطر داشته باشید، عده‌ای از افغانی‌ها هم به هواپیمای امریکایی‌ها اویزان شده بودند تا مره‌ا آنها بروند! امریکا بعد از خروج، به طالبان پیغام داده بود که اسلحه‌ها را پس بدید. آنها هم گفته بودند: اگر می‌توانید جنوب ایران هم ببیاید و سپس بگیرید! امریکا دفاع از تنگه‌هرمز به ترامپ فشار وارد می‌کند و او می‌خواهد با ششم خودش، جلوی این فشار را بگیرد! او شخصیت مذبذب و متلونی دارد و حرفش را مرتب عوض می‌کند و الان میزان محبوبیتش به عدد ۳۳ در صد کاهش یافته است. ماجرای تیراندازی در میهمانی سالانه به افتخار خبرنگاران هم، قلابی و برای افزایش محبوبیتش انجام شد. ترامپ می‌خواست، شاه امریکا باشد. خودش را هم برای دور سوم انتخابات آماده کرده بود تا مجدداً کاندیدا شود، اما حدود یک ماه پیش، مردم امریکا سوخت‌رسان، چنگنده و نفربر را ساقط کند. یک هواپیما را هم کوبتی‌ها خودشان آشنیاهی زدند! این آمار، خیلی سنگین است. علاوه بر اینها، تمام پایگاه‌های امریکایی در کشورها عربی بمباران و تخریب شده است. خود عرب‌ها تصاویر تخریب را نشان می‌دهند که فضا تماماً با خاک یکسان شده است. کما اینکه سربازهای امریکایی را بردند و در هتل‌ها جاداند! بنابراین ملت ایران، اگر مثل دوران ملی شدن صنعت نفت بر خواسته خود یافشاری کند، حتماً پیروز خواهد بود. زمان ملی شدن صنعت نفت هم، انگلستان ایران را محاصره کرده بود. در آن زمان طرحی روی جلد مجله خواندنی‌ها چاپ شد که نشان می‌داد انگلیسی‌هایی آمده‌اند و دور تادور ایران را محاصره کرده و طناب پیچیده‌اند! بعد روی آن نوشته شده بود: «محاصره دریایی به جایی نخواهد رسید!» این نقاشی مربوط به مهر سال ۱۳۳۰ است. لذا ایرانی‌ها اگر همانطور که تا الان و به‌خوبی ایستادگی کرده‌اند، همچنان مقاومت کنند، قطعاً پیروز این نبرد خواهند بود. الان در خود امریکا هم، فشار بسیار زیادی روی ترامپ وجود دارد. مطبوعات امریکا، پدرش را درآوردند! وال‌الاستریت‌ژورنال که ۱۰۰ سال سابقه انتشارش دارد و نیویورک تایمز که ۲۰۰ سال است منتشر می‌شود، همه به ترامپ فحش می‌دهند. ترامپ هم برضای مقابله با آنها گفت:

پس معتقد ید که در حال حاضر و بیش از هر زمان دیگری، زمینه تبلیغات و اطلاع‌رسانی مؤثر علیه امریکا و اسرائیل

۹ جوان

نشست خبری، خبرنگار بی‌بی‌سی از ترامپ پرسید: «خبر دارید که در میناب ۱۷۰ کودک را کشته‌اید؟» ترامپ جواب داد: «ما دستور تحقیق داده‌ایم!» خبرنگار هم به ترامپ گفت: «شما دستور تحقیق ندادید، شما آنها را کشتید و بعد اعلام کردید که خبرهای سرگرم‌کننده‌ای از ایران می‌رسد!» ترامپ در پاسخ گفت: «من چنین چیزی نگفتم!م، این حرف را شما در دهان من گذاشته‌اید!» بعد هم کار به دعوا کشید و ترامپ خطاب به آن خبرنگار گفت: «شما دروغگو هستید، شما کذاب هستید، من شما را تعقیب می‌کنم، بلند شو برو بیرون!» یعنی رئیس‌جمهور اینقدر احمق است که در انتظار عمومی به نیویورک تایمز، وال‌استریت ژورنال، تلویزیون ان‌بی‌سی و تلویزیون سی‌ان‌ان یا آن سابقه و مخاطبی که دارند، دهان به دهان می‌گذارد! او روزانه ۵۰۰ میلیون دلار، برای نیروی دریایی‌ای که به اطراف ایران آورده، هزینه می‌کند. در سفری هم که به چین داشت، رئیس‌جمهور این کشور به او گفت افول امریکا آغاز شده است. البته وقتی ترامپ به امریکا بازگشت، خبرنگاران با تعجب از او پرسیده‌اند که آیا واقعا رئیس‌جمهور چین چنین حرفی زده است؟ وی جواب داد: «منظورم ش من نبودم، منظورم یادین بود!» در حالی که همه می‌دانند که او دروغ می‌گوید، خطاب رئیس‌جمهور چین به خود او بود. ترامپ فعلاً تبدیل به یک دلقک شده، آدمی که حرفی می‌زند و نیم ساعت بعد، حرف خودش را پس می‌گیرد! بر خلاف انتظار که رفته بود دست چین را بر علیه ایران در تایوان باز بگذارد و در عوض، چین هم دست او را در ایران باز کند، رئیس‌جمهور چین اعتنای چندانی به او نکرد. او در ایسن روزها، نتگنای غیرمنتظره‌ای را تجربه می‌کند.

به عنوان پرسش پایانی از آغاز جنگ تحمیلی سوم در ۱۹ اسفند ۱۴۰۴، چه خطره‌ای دارید؟

آن روز با همسرم در حال خوردن صبحانه بودم که ناگهان صدای هواپیما یا موشکی را شنیدم که از بالای سر منزل ما رد شد. تعجب کردم چرا این هواپیما یا موشک از شمال تهران رد شد؟ نفهمیدم که مبدأ آن کجا بود. این همان موشک سنگر شکنی بود که به بیت رهبری اصابت و اغلب حاضران را شهید کرد. البته نقطه قوتی جمهوری اسلامی‌ای بود که فوراً برای تمام رده‌ها جانشین تعیین کرد و هیچ اتفاقی برای نظام نیفتاد. از طرفی هم خوشحالم که دولت ایران در این خصوص به دیوان دادگستری لاهه شکایت کرده است؛ مسئله‌ای که من پیش‌تر چندین بار در صحبت‌ها و مصاحبه‌هایم به آن اشاره کرده بودم. تصور کنید اگر الان ترامپ همراه با وزیر امور خارجه، رئیس ستاد مشترک ارتش و فرمانده تاجرد ملی امریکا کشته می‌شدند و مسیب آن ایران بود، چه جنحالی در دنیا به پا می‌شد؟ حال آنکه رئیس‌اعلاه و رهبر ی ایران، امیر موسوی، آنها ستاد کل نیروهای مسلح، سردار پاکباز فرمانده کل سپاه پاسداران و نزدیک به ۱۸ نفر دیگر از مسئولان تراز اول نظامی کشور را شهید کرده‌اند. الان جای این پرسش‌ها نیست، ولی بالاخره روزی باید مشخص شود، چرا چنین شرایطی این جلسه مهم در چنان مکان شناخته شده‌ای برگزار شده است؟ یا وجود این روزنه‌های جاسوسی‌ای که متأسفانه در کشور ما وجود دارد و ماهواره‌هایی که مدام در حال تصویربرداری از ما هستند. مسئولانی که آن روز در جلسه حاضر شدند، اسان‌های بسیار شریف و کم‌نظیری بودند. مخصوصاً امیر موسوی که من با او دوست بودم و بسیار فرد نجیب، متواضع و خوش خلقی بود. از یاد نبریم که مثلاً در طول جنگ جهانی دوم، سران متفقین کلاس‌سه بار و با رعایت احتیاط کامل دور هم جمع شدند، آن هم در شرایطی که این همه وسایل جاسوسی و شنود وجود نداشت. استالین، روزولت و چرچیل، بار اول در تهران و بار دوم در پالتای روسیه نشست برگزار کردند. یک بار هم به عنوان دور سوم، پس از تصرف آلمان و در پوتسدام دور هم جمع شدند. در این مقطع، روزولت فوت کرده و ترومن جایگزین او شده بود. در دولت انگلیس هم، چرچیل عوض شده و ایلبی بر سر کار آمده بود. منظور اینکه تشکیل چنین جلسه‌ای با این تعداد از سران نظامی، دست‌کم برای عده‌ای سؤال برانگیز است. چون اسرائیل، همواره از ماهواره‌های امریکا استفاده می‌کند. این جریان، قبلاً در جنگ ایران و عراق نیز سابقه داشته است. در سال ۱۹۹۹ مجله‌ای در امریکا چاپ شد که در آن نوشته بود: «دولت عراق در طول جنگ با ایران، از ماهواره‌های امریکا استفاده می‌کرده و از اطلاعات آن برای راهنمایی ارتش خود بهره می‌برده است…» مثلاً ماهواره‌ها اطلاع می‌دادند که فرضا در این ترن که از تهران در حال حرکت است، نیروهای سباهی حضور دارند؛ یا فلان کامیون در حال عبور از جاده، حامل اسلحه است. حتی خود فرماندهان عراق نیز به این موضوع اذعان کرده‌اند. چند نفر از ژنرال‌های عراقی که بسا آنها مجاهد شده، گفته‌اند که امریکا در طول جنگ کمال مساعدت را با ما داشت. خب الان همین ارتباط و تعامل، به شکل گسترده‌تری میان امریکا و اسرائیل وجود دارد. با این همه و در شرایط جنگی، جای طرح این موضوعات نیست و همه توجه ما، باید معطوف به دفع تجاوز از کشور و شکست مهاجمان باشد.